

**آتش نشانی بجنورد**  
**همچنان بدون نردبان بلند**

**آگاهی-** آتش نشانی بجنورد برای امداد رسانی به ساختمان های بیش از ۱۲ طبقه همچنان بدون نردبان است و هنوز وعده ها در مورد این موضوع عملی نشده است. با وجود افزایش ساخت و ساز ساختمان های بیش از ۱۲ طبقه در بجنورد و سکونت هزاران نفر از مردم در این ساختمان ها به ویژه در گسستان شهر بجنورد، سازمان آتش نشانی بجنورد نردبان بلند ندارد تا

## حادثه در شهر

## سر کیسه کردن با ترفند ازدواج

داد و دختر جوانی با شکردهای خاصی برمی‌داشتند و تنها و پسر جوان ازادواج و بعد از مردن در خواست مهریه می کردند و دادخواست می دادند. به گزارش خبرنگار ما خانواده آقای مدعی خود می‌گویند توسط دختر خود خانم فاطمه بعد از مدت ۲۰ سال به میزبانی میزبانان و دوستان این دختر آشنا شده بود و بعد از چند جلسه تباط پنهانی به ما داشتند، از ما خواستند ای او را و پنهانی بالا ببریم و به شوخال این دو نفر و سر و سامان می گرد قبول کردیم. قبل از استکباری کمی در مورد آن دختر و خانواده اش تحقیق کردیم و بعد از کمی بررسی متوجه شدیم خانواده آن به ما خصوص دخترشان مناسب خانواده ما نیست و این موضوع را به برادر مدعی گذشت وقتی دیدیم به هیچ وجه تکراره نشود مجبور شدیم به خواستگاری خود علاقه نداشتیم. بر برویم با گرفتن یک جشن ساده این ۲ نفر به ما قدم در آمدند. مدتی از نامزدی برادر مدعی گذشت این که نامزدش هر روز به یک بهانه و ترفندهای این کار بر برادر مدعی می کرد. به ما بعد از هفت ماه مخالط مادرش داد و گرفت به دیار پرداخت و درخواست مهریه کرد و فریب را در حاضر نیست به زندگی با برادر ادامه دهد. وقتی برادر از این موضوع با خبر شد، به خاطر در خطر بود آبروی خانواده، مهریه او را تمام داد و تلاش را گرفت.

[illegible]

ساز ساختمان ها و سکونت هزاران نفر ها به ویژه در گلستان آتش نشانی بجنوی

نیستی بجنورد برای امداد رسانی بیش از ۲ طبقه همچنان بدون زودهادر مورد این موضوع و با وجود افزایش ساخت

# تدارک

معتادان منطقه شهر پارک جنگلی را در برخی از اهالی منطقه طی تماس با نامۀ خراسان شمالی ضمن تقدیر گزارش راهکارهایی را برای رفع این پارک ارائه کردند و رئیس شهر بجنورد نیز از تشکیل جلسه در برنامه روزی ها برای از بین بردن ملوث معتادان در این پارک خبر داد.

نگلی الهیه با وسعت ۲۰ هکتار در بجنورد با وجود زیبایی بسیار به حال شده است و به همین دلیل به پاتوق

معتادان منطقه شهر پارک جنگلی را در برخی از اهالی منطقه طی تماس با نامۀ خراسان شمالی ضمن تقدیر گزارش راهکارهایی را برای رفع این پارک ارائه کردند و رئیس شهر بجنورد نیز از تشکیل جلسه در برنامه روزی ها برای از بین بردن ملوث معتادان در این پارک خبر داد.

نگلی الهیه با وسعت ۲۰ هکتار در بجنورد با وجود زیبایی بسیار به حال شده است و به همین دلیل به پاتوق

معماتان تبدیل و باعث تا امنی اهالی این منطقه شده است. در پی تهیه گزارش از این پارک یکی از اهالی این منطقه با دفتر روزنامه خراسان شمالی تماس گرفت و ضمن تشکر از تهیه این گزارش و بیان نگرانی مردم گفت: اگر مسئولان شهرداری بهر صورت توانم بهسازی این پارک برای استفاده مردم را در حال حاضر ندارند حداقل آن را محصور کنند تا این پارک زیبا به محلی برای انجام کارهای خلاف و جرم خیز تبدیل نشود و امنیت مردم را نیز به خطر نیندازد. حمید امینی، مشاوران نیروی انتظامی را نیز به حضور

و این است که سر شیشیان را پشت درختان و غلف های بلند و پنهان از دید رهگذرها مشغول به استعمال مواد و «سیگری» می کنند.

به گفته هرامهم از این گونه افراد، داخل پارک زیاد است اما به علت انبوه درختان و غلف ها قابل زورگیری نیستند. به راه خودمان ادامه می دهیم یک نفر کنار مسیر پشت فنس ای کشیده شده محوطه ای که قرار بود به پارک بانوان تبدیل شود اما به حال خود رها شده است بدون دغدغه و استرس مشغول به استعمال مواد مخدر است. با دیدن ما می ایستد و می زند و تعارف هم می کند.

با گذشتن از این مسیر می توانید آثار استعمال و خاکستر آتش کنار درختان را مشاهده کنید. هر چقدر که به بالای پارک نزدیک تر می شویم، اتاق نگهداری بیشتر قابل مشاهده است و به دلیل نگاه شدن ایستگاه نگهبانی در قسمت بالای پارک چند خانواده در حال استراحت و لذت بردن

از فضای دانشین محل هستند.

وقتی از کنار نگیهانی عبور می کنیم و از آن دور می شویم، سکوهای خالی پارک که برای مراجعه کنندگان تدارک دیده شده است دوباره خودنمایی می کند و بعد از پیمودن مسیر کوتاهی به دستستر آبی که در بالاترین نقطه پارک ایجاد شده است می رسم که برای آبیاری فضای سبز پارک از آن استفاده می شود و کنار آن نیز وسایل

بازی کودکان نصب شده اما بیشتر فضای بازی، محالی و بدون استفاده است.

وقتی از آن بالا به شهر که زیر پایت است نگاه می کنی و نسیم خنکی که می وزد و ریه هایت را پر از هوای تازه می کند تازه متوجه می شوی که چرا اینجا به ریه شهر معروف است. به گفته

صورت آتش سوزی در ساختمان های چند طبقه بتواند به افراد محصور در آتش کمک و یا آتش طبقات را خاموش کند. بنا بر اظهارات مدیر عامل سازمان آتش نشانی بجنورد برای خرید یک دستگاه خودروی نردبان

به بیش از ۴۰ میلیارد ریال اعتبار نیاز است که در بخش شهرداری یا سازمان آتش نشانی نیست. گودرزی بود: برای خرید این خودرو باید اعتبارات استانی یا اختصاص یابد زیرا نبود آن در آینده امادرسانی

## برنامه ریزی شهرداری در پی گزارش خراسان شمالی در مورد پارک الهیه

# تدارک برای از بین بردن حیات خلوت معتادان

مشکل این پارک باید به فکر اقدامات موثری همچون گماردن نگهبان و محصور کردن پیکر باشد. رئیس شورای شهر بجنورد نیز در این باره گفت: در پی چاپ گزارش خراسان شمالی جلسه ای با حضور شهردار منطقه ۲ برگزار شد و برای رفع مشکلات آن برنامه‌هایی تدارک دیده شد است که در حال حاضر می‌خواهیم آن را رسانه ای کنیم. افشین فرا افزود: این برنامه‌ها در راستای این پارک از حیات مختلف و تبدیل آن به محلی برای خلوت و آمد خانواده‌هاست.

مادام در این محل خواستار شد تا مردم احساس امنیت کنند از یک طرف و از طرف دیگر از اهالی نیز با بیان این که ره‌ها شدن پارک الهیه نه تنها ظلم به مردم بلکه به تمام شهر است گفت: اگر شهرداری بجزود توان میسر از این پارک و اطراف آن برای مردم به‌کار نگیرد و به دنبال جذب سرمایه گذار برای این پارک باشد. یکی دیگر از اهالی نیز با بیان این که مأموران نیروی انتظامی در پارک گراش مأموران شهری اقدام به پاکسازی می‌کردند، اظهار داشت: مسئولان برای رفع

A photograph showing a makeshift shelter constructed from various blankets, cloths, and clothing items, pitched under the shade of a tree in a rural, hilly landscape. The shelter appears to be a temporary dwelling for people, possibly migrants or refugees, as suggested by the caption. The surrounding area is dry and dusty, with some sparse vegetation and a few buildings visible in the distance.

# ریه شهر بیمار از دست معتادان

همراه روشناسی نداشتن پارک بر تانمی تأثیر مستقیمی دارد و یکی از علت‌های اصلی استقلال نتواند خواهده از این فضای بزرگ می‌گوید:

دیدنی در شب را این موضوع می‌داند و می‌توانستفانه صورت گنج اقدام عملی برای رفع مشکل کانون توجه است. برای صحبت‌های ساکنان شهر که اقامه هستند (۸) می‌شنیم.

«صادق» یکی از ساکنان شهر که در این مورد می‌گوید: روزی از یکی از شهرستان‌ها به برنامه می‌مانی آمدند و تصمیم گرفتیم برای لذت بردن از هوای تازه و این بار یک که نزدیک ما نیست، به روی زمین

را در آنجا صرف کنیم، اما وقتی به پارک رفتیم به علت تاریکی هوا مجبور شدیم به کنار اتاق نگهبانی که روشنایی داشت برویم، اما به علت تردد جوان های بدحالی که معلوم بود مواد مخدر استفاده کرده بودند به ناچار، قید هوای تازه و دلنشین را زدیم و به خانه برگشتیم.

«حجانی» یکی دیگر از ساکنان شهر که به اتفاق تلخی که برای سرش افتاده است اشاره می کندند و اظهار می دارد: یک روز صبح پرمی است استفاده از فضای پارک و همچنین مطالعه به پارک رفت اما توسط یکی از ارادل و اوباش پارک مورد زورگیری قرار گرفت و همه محتویات داخل جیبش و حتی انگشتر دستش را که از پدرم به عنوان یادگاری گرفته بود سرقت کردند. با شنیدن بلایی که بر سر پرمی آمده بود به شدت ناراحت و عصبانی شدم و تصمیم گرفتم زور بعد به پارک بروم.

صبح روز بعد به اتفاق چند نفر از اهالی به پارک رفتیم و به محل مورد نظر پارک که پسر م به ما گفته بود رسیدیم، در کمال تعجب پسر شرو را که کنار درختی کمین کرده بود، دیدیم و گویا

ملر، رهگذران دیگر بود که از آن‌ها زورگیری می‌کرد. یکی از نگهبانان سابق این پارک هم که واهد نامش ذکر شود و در پارک دیگری اول به فعالیت است حرف‌های شنیدنی دارد و بار می‌گوید: یک شب، جلوی نگهبانی بودم و آن‌ها رفت‌ها و رفتارهای شان معلوم بود. خوشی نداشتند مزاحم چند نخواهد شدند. نزدیک‌ترین اتاق نگهبانی مشغول به خواب بودند. هم به دیدن این وضعیت مجبور شدم به آن‌ها بروم، وقتی مزاحمان متوجه شدند حاضران به پلیس زنگ زدند از تاریکی پارک استفاده می‌نمودند و پناهنده شدند.

دامه می دهد؛ شب نیز چند جوان در حال  
بمال مواد مخدر داخل پارک بودند و اصلا  
توجه نداشتند و در خیال خوششان در قضا سیر  
کردند که البته بر بخوردی با آن ها نشد. «ایمانی»

مداری پول و وسایل ضروری را هم بر سر کتفم. اما بار مثل سابق نبود و خسته‌ام به خصوص مادرم. من شدم من را تحت نیت داشتند تا مبدا دست را می‌گرفتند. پس رفتن را در اسلحه نیمه‌های شب بود و نمی‌توانستم از در اصلی خودم و تمام‌گیر می‌انفادم، خواستیم تا با لکن اتاق خودم را رفتیم. و وسایل را به داخل کوچه پرت کردم و زمانی که خواستم خودم از کدک پایین بروم، ناگهان با افتادن و برخورد و بالا سقوط کردم و با اسلحه‌ای که به سر خودم کردم.

بعد از شکست و ناله و فریاد همه کوچه را گرفتند. تا خانواده ام را مجازا به خبر شدند و من را به پارس‌مرسان بردند. دیگر نیت خداوار گرفت و بعد از آن که من گفت می‌توانی ام مثل سابق با هر دو باره‌روی برای همیشه پادشاه عالم گم‌گیر.

بر خاله ام زندگی مشترک شان راز یک سقف اجاره

می‌داشتند.

من دست بردار نبودم و می‌خواستم هر طوری که شده زهر را به شوهر خواهرم بریزم. مدام ریز گوش خواهرم زمزمه می‌کردم که شوهرش را تحت فشار قرار دهد تا خانه‌ای برای او بخرد تا سقف بالای سرش مال پدرش باشد و از بهانه جویی‌های صاحب خانه‌اش

مکم این حرف ها در خواهرم اثر کرد و او نیز سر  
مآزگاری با شوهرش را در پیش گرفت و این بحث  
تقدر ادامه پیدا کرد تا این که به یک بحران بین آن  
تبدیل شد و کار به جایی رسید که شوهر خواهرم  
ست روی او بلند می کرد و به شدت او را مورد ضرب

ستم فرار می داد.

گر خواهری این وضعیت را تحمل نکرد و به حالت روبرو راحتی به خانه پدرم آمد و از آن روز به بعد بین خانواده شکر آب شد و به زد و خورد کشیده شد. بالاخره خواهرم طلاقش را گرفت. از این موضوع تی گذشت تا این که همه چیز به فراموشی سپرده شد. پس از گذشت مدتی من به پسر خاله کوچکم که پیدا کردم و مصمم به تلفن و پیامک با هم در بباط بودیم و تصمیم گرفته بودیم هر طوری که هست با هم ازدواج کنیم.

آخره هر طوری که بود پسر خاله ام را راضی کردم خاله ام بگوید و به خواستگاری من بیایند، تا این خاله ام روزی به بهانه دیدن مادرم و رفع کدورت ی بین دو خانواده به خانه ما آمد، اما وقتی که له ام موضوع خواستگاری از من را برای پرسشش کشید مادرم ناگهان بر افروخته شد و شروع به شتمن داد کرده به خاله ام گفت مگر از بس اذیت

خیریدی دیدیم که این دومی برای ما داشته باشد. از آن کلی بحث بین خاله و مادر، خاله اما با ناراحتی نه ما را ترک کرد.

این زمانه برای روزگار برای من به حرکت در آمده و حالا نوبت سطر خاله بزرگم و در واقع شوهر بقی خواهرم بود تا با گذاشتن چوب لای چرخ این سبک، انتقام خودش را از من بگیرد و آتش کینه و رت را بیشتر من کرد تا به هر قیمتی که شده است.

و سطر سبک نیکی.

گذشت وقتی دیدیم دیگر امیدی به این وصلت  
نیست، پسر خاله ما به من پیشنهاد داد تا با هم فرار  
و پیش عمه او که در یکی شهرهای استان  
اراز زندگی می کرد برویم و مدتی را در خانه  
سیم خانوادها تن به ازدواج ما دهند. اول  
مقدم و قبول نکردم و فتمت باید یک راه دیگر پیدا  
چند روزی گذشت و هر چقدر تلاش کردیم  
کسی را واسطه قرار دادیم، خانواده ما راضی  
نبود به این بست قرار دیدم.

دهام قصد کوتاه آمدن نداشتند تا این که پسر خاله ام پیشنهاد فرار داد و گفت تنها قیمانده برای ازدواج ما فرار است و من هم کردم. پنهانی به منزل عمه اش رفتیم و پسر ام به عمه اش گفت نباید از آمدن ما به اینجا خبر دار شود. دو هفته ای گذشت و خانواده

۸- ردفین - ۹- خمپاره - ۱۰- نکهبان ها - لیست  
۱۱- علامت مفعولی - ریگ - سخن - سرخ - ۱۰- مایه  
۱۲- که کارش داد و ستد انواع پول است - مایه  
۱۳- اختفا - اگر برعکس شود آخوی است - تیم  
۱۴- نگاهای فرانسه - ۱۵- انجیر - دانشمند و ریاضی دان  
۱۶- هد باستان - قوت غالب - ۱۷- شرط بستن - سوغات  
۱۸- منافق - ۱۹- دعاها - ضایع - سلسله جهانی بین  
۲۰- انسه و اسپانیا - ۲۱- اسب اسکندر مقدونی - فرشته  
۲۲- بین درابین زرتشتی

پاسخ: جدول شماره ۱۰۸۳

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
د	ر	ب	و	ز	پ	ش	ت	ز	ن	ی	ا	م	س	و
و	ا	ن	ف	ر	ا	ن	س	ی	ر	ک	د	ی	ا	م
م	ل	ر	ن	خ	ر	ا	ب	ق	ل	د	ت	م	ر	ا
ر	ا	م	ی	م	ی	ا	د	م	ر	ا	م	ر	ا	م
ا	ت	ب	ی	ا	د	م	ر	ا	م	ر	ا	م	ر	ا
د	و	ا	ر	ه	ا	م	ر	ا	م	ر	ا	م	ر	ا
ا	ب	ا	د	ن	ک	ی	ا	م	ر	ا	م	ر	ا	م
ل	ا	ر	ن	ا	ی	ا	م	ر	ا	م	ر	ا	م	ر
س	ی	ر	ن	و	ا	و	ا	م	ر	ا	م	ر	ا	م
و	ا	ی	ر	ن	ا	ی	ا	م	ر	ا	م	ر	ا	م
ا	ت	ا	ر	ن	م	ر	ا	م	ر	ا	م	ر	ا	م

A person is seated in a wheelchair, viewed from the back. The person is wearing a dark jacket and a light-colored hat. The wheelchair is dark-colored. The background is a light, textured surface.

جدول شماره ۱۰۸۴

۱- اعتماد برادر رستم - خاک ۲- دانشنامه  
فرانسوی - شیوا - نیم باشگاهی ایتالیا ۳-  
خت زیاده ۴- کال ۵- زمان بی انتها - اخگر  
۵- مطهر لاغری - خالی - در دستور زبان، کسی  
خوانده شده است ۶- مارلور ۷- زکین تند گشت  
آمد ز جای - بالایی جنگی درآورد ۸- .....  
۹- سوار ۱۰- چین خوردگی لباس - بلدرچین  
۱۱- اج ساج ۱۲- از آثار شهید مطهری ۱۳- اجرت - از  
جای زهی - رقی ۱۴- دانشمند جدی وراثت  
عرب - تن ۱۵- منقار پرند - قبل قرآن - طبل  
۱۶- عضو دونه ۱۷- تله - لجن - ماده بیهوشی -  
ت به امین باران ۱۸- در خشان - تر خواننده قد  
وورمان و برنده جایزه «خورشید طلایی» در سال  
۱۹۴۰ جشنواره مهر ۱۹- کوک نیست - بت بندری  
الفارغارستان بر کرانه دریای سیاه ۲۰- طولانی ترین  
- سال - همسر حضرت موسی (ع) - زبده ترین  
شهرستان

۱- کشوری در جنوب شرقی اروپا - در بند  
۲- نرده جلوی ایوان - برادر شپش - آبراهه  
از انواع شنا - نوعی خرما که در هرمزگان کشت  
شود - تصریح شده ۴- مرغابی - جزیره ای در  
جنوب شرقی استرالیا - جایز ۵- بالاتر از آن رنگی  
ت - هافبک یابار مونیخ ۶- حصار - حصار  
اولی - زبان ۷- سیاه‌رک - گوشه فوتبالی - حرف

15 14 13 12 11 10 9 8 7 6 5 4 3 2 1